

۱۲ درجه کاهش دما در کشور

بنابر گزارش سازمان هواشناسی کشور امروز (یکشنبه ۵ اسفند) بارش برف و باران در استان‌های ساحلی دریای خزر و استان‌های واقع در شمال شرق و دامنه‌های جنوبی البرز، استان‌های واقع در دامنه زاگرس مرکزی، فارس، کرمان و خراسان جنوبی، برخی مناطق هرمزگان و سیستان و بلوچستان پیش‌بینی می‌شود.

کارشناس سازمان هواشناسی کشور با اعلام این خبر به همشهری گفت: «از امروز یکشنبه تا سه‌شنبه نیمه شرقی، نواحی مرکزی و دامنه‌های جنوبی البرز وزش باد شدیدی را تجربه می‌کنند. وزش باد در نقاط مستعد سبب خیزش گرد و خاک و توفان گرد و خاک می‌شود. دوشنبه بارش در کردستان، کرمانشاه و ایلام خاتمه پیدا می‌کند. در سایر مناطق کشور و سیستان و بلوچستان فعالیت سامانه بارشی ادامه دارد.

امین حسین نقشنیبه افزود: «تا چهارشنبه کاهش محسوس دما بین ۱۲ تا ۷ درجه در بیشتر مناطق کشور رخ می‌دهد.»



پخت ۳۰ تن سمنو در مسجد الرقیه همزمان با سالروز میلاد حضرت رقیه (س) جشن مردمی پخت ۳۰ تن سمنو (سمنو) در مسجد الرقیه شیراز در ۲ روز برگزار شد. عکس: فارس

۳۰ سال رانندگی بدون تخلف و تصادف

چند روایت معتبر درباره معصومه سلطان بلاغی، نخستین راننده زن اتوبوس در کشور و دارنده مقاوم اول رانندگی برتر کشور

گپ: راحله عبدالحسینی روزنامه‌نگار



نخستین راننده زن اتوبوس در کشور که ۲ سال از بازنشستگی‌اش می‌گذرد، به تازگی از نسوی معاونت حمل‌ونقل راهداری استان البرز به‌دلیل ۳۰ سال رانندگی جاده بدون تصادف، مورد تقدیر قرار گرفته است. «معصومه سلطان بلاغی» فارغ‌التحصیل رشته پرستاری، از سال ۱۳۷۱ کنار دست همسرش رانندگی اتوبوس را تمرین کرد و آموزش‌های لازم را گذراند. او که ساکن کرج است در دهه ۷۰ زندگی خود مشغول نگارش کتابی درباره خاطرات و تجربیات ۵۲ دهه پشت فرمان اتوبوس نشستن است.

از پرستاری تا رانندگی اتوبوس

با صدای مهربان و پر مهرش می‌گوید: «در همین یکی، دو روز از قول من کلی مطلب از فضای مجازی نوشتند که تاریخ درستی ندارد. البته تاریخ برای من مهم نیست. مهم این است که در لوح تقدیر من نوشته شده که طبق بررسی کارشناسان حمل‌ونقل جاده‌ای، من در طول ۳۰ سال فعالیت هیچ تصادفی نداشته‌ام.» معصومه سلطان بلاغی که همکارانش خانم سلطانی صدا می‌زنند، از سال ۱۳۷۱ کنار دست همسرش به دل جاده زد. او متولد ۱۳۲۵ و فارغ‌التحصیل رشته پرستاری است. از زمانی که همسرش به بیماری قلبی و ناراسی کلیه مبتلا شد، دل‌نگرانی‌های او هم بیشتر شد.

سلطان بلاغی ادامه می‌دهد: «خودم را از پرستاری باز خرید کردم تا بتوانم مراقب همسر و در سفرهای جاده‌ای کنار او باشم. برای همین گواهینامه پایه یک گرفتم. رانندگی اتوبوس برای من تفریحی نبود. می‌خواستم کنار یار و مراقب همراه زندگی‌ام باشم. نمی‌خواستم با وجود بیماری، فشار روحی هم داشته باشم و ساعت‌ها دور از خانه باشم.» همسر او سال ۱۳۷۹ از دنیا رفت و معصومه خانم ماند و دختر و ۲ پسر که پسر کوچک‌اش ۱۲ ساله بود.



رویکرد کاهش فاصله‌های آموزشی در استان مرکزی مهدی زندیه‌ویکیلی، استاندار مرکزی: برای تحقق عدالت آموزشی، ضروری است تمامی ظرفیت‌ها و منابع موجود از جمله نهادهای دولتی، جامعه مدنی و تکنولوژی‌های نوین به کار گرفته شوند. این رویکرد می‌تواند به کاهش فاصله‌های آموزشی و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار منجر شود.



۵۱۵ هکتار زمین در ابر به‌عنوان بافت فرسوده تعیین شد عباس‌رضا حیدری، شهردار ابر: ۵۱۵ هکتار از بافت ابر به‌عنوان بافت فرسوده مشخص شده است. ۲ محله اصلی شهر به‌عنوان مراکز محله در بافت فرسوده تعیین شده‌اند. در این بافت‌ها بسته‌های تشویقی ملی عرضه می‌شود. در تلاشیم مجوز بسته‌های محلی را از ستاد بازآفرینی استان دریافت کنیم.



معصومه سلطان بلاغی در دهه ۷۰



کتاب خاطرات ۳۰ سال رانندگی در جاده

دلخوشی این روزهای او در ۷۷ سالگی ۵ تونه قد و نیم‌قد و افتخار رانندگی بدون تصادف در جاده است. حالا روزها سرگرم نوشتن کتاب اتوبیوگرافی یا خود نوشته است؛ درباره خاطراتش از ۳۰ سال رانندگی در دل جاده‌های پر پیچ و خم این سرزمین، از کمک به مسافران بد حال یا دانش پرستاری‌اش و از سختی‌های روزگار برای بزرگ کردن ۴ فرزند که حالا هر یک تحصیلات عالی‌ه دارند



مسیر ۱۳۰۰ کیلومتری تهران-بندرعباس

مخالفت‌ها برای ادامه رانندگی اتوبوس از سوی خانواده و بچه‌ها آغاز شد و به فرمانده راهداری هم رسید، اما معصومه خانم تصمیمش را گرفته بود. هر چند اهالی محله کیان‌مهر کرج او را به نام پرستار محله می‌شناختند، اما ترجیح داد که رانندگی را ادامه دهد. می‌گوید: «بعد از ۲ ماه دوندگی توانستم دفترچه اتوبوس بیابانی بگیرم و مسیر دائم من از ترمینال خزانه تهران تا بندرعباس شد. هر وقت برای مسیری اتوبوس نبود، رئیس ترمینال به من می‌گفت سلطان! برو شیراز یا شمال یا مشهد یا هر شهر دیگری. همان روزها بود که چون نه شکایتی از مسافر و نه تصادفی داشتم، راننده نمونه هم شدم.» او از فنی ماشین هم بسر در می‌آورد و حساسی دست به آچار بود.

اعتماد به دست فرمان خانم راننده

سلطان بلاغی می‌گوید که همیشه از مسافران بازخورد خوبی گرفته و به دست فرمانش اعتماد داشته‌اند. او ادامه می‌دهد: «در خط بندرعباس بیشتر مسافران آقا بودند که برای تهیه کالا و خرید به بندر می‌رفتند. گاهی در آینه نگاه می‌کردم می‌دیدم همه خواب هستند. صبح بیدارشان می‌کردم که بروید دنبال کارت‌تان، خدا به همراه‌تان! البته ششور کمی هم داشتم که بیشتر اوقات شب‌ها پشت فرمان نمی‌نشستم و می‌گفت نور ماشین‌ها چشمم را آذیت می‌کند.»

یادبود

تندیس وداع سهراب و ته‌مین



داستان‌های شاهنامه فردوسی شعری است که گاهی نقاشی می‌شود بر دیوار قهوه‌خانه‌ها، گاهی کاشی‌کاری می‌شود بر سردر عالی‌قاپوی کاخ گلستان در دوران قاجار و گاهی هم به شکل تندیس درمی‌آید. به گزارش

همشهری، اکنون برای نخستین بار تندیس «وداع آخر؛ جدایی سهراب از ته‌مین» در شهر کرمان نصب شده است. پیش از این هیچ‌گاه داستانی از شاهنامه فردوسی به‌عنوان اثر شهری در کرمان وجود نداشت، اما امسال تندیس زیبایی از «جدایی سهراب از ته‌مین» یا «وداع سرباز از مادر» در بلوار هزار و یک شب کرمان نصب شد. این اثر متعلق به محدثه نیک‌فرجام است که با همکاری محمدحسین مأموریان منجر به خلق یک شاهکار شده است. ارتفاع تندیس سهراب و ته‌مین به ۳ متر و ۵۰ سانتی‌متر می‌رسد. عملیات ساخت تندیس سهراب و ته‌مین به همت شهرداری و شورای شهر در بلوار هزار و یک‌شب انجام گرفت تا یادآور شاهنامه فردوسی و البته محمود مدبری باشد. مدبری در زمان حیات خود، استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان، پژوهشگر ادبیات، مصحح و شاهنامه‌شناس بود که اواخر فروردین ۱۴۰۳ درگذشت.

مرگ محمد مدبری آندوه بزگی در شاعران و نویسندگان، پژوهشگران ادبیات و به‌طور کلی جامعه ادبی کرمان بر جای گذاشت و برای قدردانی از او تندیس وداع سهراب و ته‌مین ساخته شد. هنرهای تجسمی، از نقاشی گرفته تا مجسمه همیشه ملهم از ادبیات بوده و هست و در این میان، شاهکار فردوسی کتابی است که بیشترین اقتباس‌ها از آن در عالم هنرهای تجسمی ایران شده است.

نبرد رستم و سهراب یکی از پرترکزترین داستان‌های شاهنامه است که سوز هنرهای تجسمی قرار گرفته. این داستان در نهایت با مرگ سهراب جوان پایان می‌گیرد. رزم رستم و دیو سفید نیز یکی از کاشی‌کاری‌هایی است که زمان ساختش احتمالاً به دوره ناصری می‌رسد. در دوره پهلوی اول، با تخریب برخی از بناهای دوره قاجار، کاشی‌کاری رزم رستم و دیو سفید نیز بر دیوار ساختمان ورزشگاه امجدیه نصب شد.

رصد گردشگری

بازار صفوی (عودلاجان)



بازار سنتی عودلاجان یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های بازار تهران است که قدمت آن به دوران صفویه و قاجار بازمی‌گردد. عودلاجان در گذشته مرکز مهم تجارت و زندگی طبقه مرفه تهران بود. امروزه این بازار بیشتر به فروش صنایع دستی، عتیقه‌جات، پارچه‌های سنتی و لوازم مذهبی اختصاص دارد.

بازارچه مروی



بازارچه مروی از بازارهای قدیمی و کمتر شناخته‌شده تهران در خیابان ناصر خسرو است. این بازار در دوره قاجار شکل گرفته و امروزه بیشتر به فروش لوازم بهداشتی و آرایشی، عطاری و لباس‌های سنتی شهرت دارد. معماری سنتی، طاق‌های بلند و حجره‌های قدیمی از ویژگی‌های متمایز این بازار است.

بازار تجریش



بازار تجریش در منطقه شمالی تهران و در نزدیکی امامزاده صالح قرار دارد. این بازار تلفیقی از معماری سنتی و مدرن است و یکی از محبوب‌ترین بازارهای خرید میوه، ترشیجات، خشکبار و سوغات محلی محسوب می‌شود.

بازماندگان فاجعه باغ وحش تهران

پایه پای شامپانزه‌های باغ ارم از بازیگری سینما، مهاجرت، مرگ در غربت تا ابتلا به مرض قند

گزارش الهام مصدقی‌راد روزنامه‌نگار

شیرین، شامپانزه ۵۵ ساله باغ وحش ارم، دیابت گرفته است و دامپزشکان تلاش می‌کنند دیابت شیرین را کنترل کنند؛ هر چند معتقدند اقداماتی مانند حصارکشی مقاسوم و محافظت از دام‌ها، نگهداری زباله‌ها و دفن صحیح لاشه‌ها برای جلوگیری از جذب حیوانات را انجام داد. همچنین بسا پرهیز از تحرک یا غذا دادن به حیوانات وحشی، جلوگیری از شکار بی‌رویه و تخریب زیستگاه‌ها، استفاده از سگ‌های نگهبان و سیستم‌های هشدار دهنده، افزایش آگاهی روستاییان در مورد روش‌های مواجهه با حیوانات وحشی، تردد گروهی در مناطق پرخطر و حمل وسایل دفاعی مانند چوب‌دستی می‌توان خطر حملات حیات‌وحش را تا حد زیادی کاهش داد.

دیابت شیرین

شیرین برخلاف دیگر شامپانزه‌ها آرام و گوشه‌نشین است و همیشه پتویی در بغل دارد که هنگام خواب آن را روی خودش می‌کشد؛ رفتاری که ظاهراً از کودکی به آن خو گرفته است. دیگر شامپانزه‌های موجود در این باغ وحش تقریباً همگی فرزندان و نوه‌های شیرین هستند. مادر شامپانزه‌های باغ وحش ارم حالا به دیابت مبتلا شده و اقدامات درمانی در موردش اجرامی شده؛ هر چند به‌نظر می‌رسد سن بالای او اجازه درمان قطعی را ندهد، اما دامپزشکان تلاش می‌کنند بیماری این پیر شامپانزه را کنترل کنند.

از نجات از خفگی تا بازیگری

پرویز و شیرین در روزهای جوانی تا مرگ پیش‌رفتند اما جان سالم به‌در برند. در دهه ۵۰ هلی حادثه‌ای در باغ وحش قدیمی تهران، انتشار گاز منوکسید کربن از بخاری موجب تلف شدن تمامی شامپانزه‌ها شد و تنها شیرین و پرویز با یافتن درجه‌ای برای تنفس از مرگ نجات یافتند. پرویز در روزگار جوانی مقابل دوربین سینما هم حاضر شده و نقش آفرینی کرده است؛ حالا هم اگر حوصله داشته باشد و فرتوت شدن بدنش اجازه دهد گاهی ادا و اطوارهای درمی‌آورد.

۱۸ ساله چارلی

۲۵ ساله شراره

۷۲ ساله پرویز

۲۰ ساله شروین

۵۵ ساله شیرین

پایان تلخ باران

سال ۹۶ شامپانزه نرسی در باغ وحش ارم به نام باران متولد شد که مادرش «شمسی» آن را نپذیرفت و به او آسیب جسمی وارد کرد. آنطور که گفته شد، شمسی از شرایط روحی مناسبی برخوردار نبوده و دلیل آسیب‌رساندن به باران هم همین مسئله بوده است. شرایط باران به گونه‌ای بود که دامپزشک سابق باغ وحش ارم او را مدتی به خانه خودش برد و از او مراقبت کرد. بعد از آن با حواشی پیش‌آمده بر سر نگهداری‌اش، سرانجام با حکم قضایی، باران ۲ ساله به مرکز نگهداری در کنیا انتقال یافت؛ جایی که خیلی‌ها گمان می‌کردند شرایط خوبی در انتظار اوست؛ اما تنها چندماه بعد باران کوچک توسط شامپانزه‌های بالغ در آن مرکز کشته شد؛ شبیه همان سرنوشتی که قبل از رفتنش به کنیا برای مادرش شمسی رقم خورد و مسئولان باغ وحش ارم اعلام کردند شامپانزه‌های نر، قاتلان شمسی بوده‌اند.

روایت تهران

ماجرای میدان حسن آباد

میدان حسن آباد (ملک متکلمین) تهران یکی از میدان‌های تاریخی و مهم پایتخت است که در منطقه ۱۱ قرار دارد. این میدان به‌دلیل ساختمان‌های قدیمی با معماری اروپایی - قاجاری و ۴ برج گنبدی‌شکلش شهرت دارد. حسن آباد در دوره قاجار شکل گرفت و در دوره پهلوی بهسازی شد. این میدان از نظر تجاری و فرهنگی اهمیت زیادی دارد و در نزدیکی بازار تهران و خیابان حافظ قرار گرفته است. در گذشته، این میدان یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری تهران بود و نقش مهمی در بازرگانی شهر داشت. امروزه، علاوه بر اهمیت تاریخی، همچنان محلی برای فعالیت‌های تجاری است و کاربری‌های مختلفی همچون کتابفروشی، انبار پارچه و مراکز اداری در آن دیده می‌شود. یکی از اتفاقات تلخ در تاریخ این میدان، آتش‌سوزی سال ۱۳۹۷ در بخشی از ساختمان‌های آن بود که بخشی از هویت تاریخی میدان را از بین برد. با این حال، بازسازی‌هایی در سال‌های اخیر صورت گرفته تا اصلیت این بنای ارزشمند حفظ شود.